

کارآفرینان موفق و ناموفق

تمایز کارآفرینان موفق و ناموفق کارآفرینان موفق نگاه نو و متفاوتی به کار و زندگیشان دارند. تفاوت آنها با کارآفرینان ناموفق ظریف اما قابل تمیز است این تفاوت ها فراتر از خواسته ها و رویاهای آنهاست. این تفاوت ها به عادات یا رموز نهایی بر نمی گردد. تفاوت آنها به نیروی قابل سنجشی بر می گردد که در دایره تفکر و تعقل این افراد نهفته است و موجب می شود تحولاتی در شیوه کار، زندگی و روابط شغلی آنها پدید آید. در این مقاله قصد داریم ویژگی های متمایز کننده کارآفرینان موفق را بررسی کنیم نه عادات آنان را. زیرا عادات پیش از مطالعه کردن به وجود می آیند و در اصل نیازی به مطالعه آنها نیست. از سوی دیگر کسب عادات دیگران موجب میشود از مسیر خود دور افتید چرا که اینها عادات شما نیست.

__ نه وجه تمایز کارآفرینان موفق در زیر شرح داده شده است که با فراگیری آنها می توانید تفاوت قابل ملاحظه ای در نوع تفکر، ارزیابی و دیدگاهتان ایجاد کنید.

1- اجبار یا توان؟ وقتی می خواهید چیزی را به زور کسب کنید، باید از همه طرف متوسل به جبر شوید که نیاز مند تلاش و تقلای بسیار است. این در حالی است که تکیه بر آنچه در توان دارید نیرویی خلق میکند که از توانایی ها فراتر میرود. وقتی فرد تمام نیروهای درونی، باورها و عواطفش را هم سو میسازد احساس قدرت و توانمندی میکند و این امر موجب میشود با صرف انرژی کمتر به اهدافش نایل گردد. به عبارتی فرد با هر قدم که بر می دارد چندین گام جلو می افتد.

2- تحقق وظایف یا نیل به هدف؟ تحقق کارها با به پایان رساندن و تمام کردن آنها همراه است و بیشتر به وظایف بر میگردد. وقتی انسان کاری را به پایان می رساند آن چیز معنا و اهمیت خود را از دست میدهد ایا تا به حال برای تحقق کاری تلاش و کوشش کرده اید؟ اگر چنین بوده است ایا با تحقق آن احساس نکرده اید انقدرها هم مهم نبوده است؟ این تجربه همواره با یاس همراه است. اما نیل به هدف هیچ گاه پایان پذیر نیست. چرا که با آگاهی معنوی از معنا و اهمیت کار همراه است. این دیدگاه همواره آرامش دهنده و الهام بخش است.

3- کسب اطلاعات یا به کار بستن آنها؟ بدیهی است که کسب اطلاعات تنها در صورت به کار بستن آنها ثمر بخش خواهد بود متأسفانه بسیاری از کارآفرینان و کارفرمایان ساعت زیادی را صرف مطالعه و کسب اطلاعات میکنند. اما هیچ گاه آنها را به کار نمی بندند.

4- تفکیک یا تلفیق؟ کارآفرینان موفق می گویند پیش از هر چیز به زندگی شان به صورت بخش های تفکیک شده نگاه کرده اند. این افراد حتی در تجارتشان هم چنین نگاهی به خدمات محصولات و حتی تلاشهایشان دارند. این امر باید به صورتی باشد که کسب موفقیت در هرزمینه به پیشبرد زمینه دیگر منتج شود. برای این کار مولفه ها و طرح های گوناگون تجارتتان را بنویسید. سپس درباره اینکه فعالیت در کدام زمینه به برجسته سازی زمینه دیگر می انجامد بیاندیشید و برنامه ریزی کنید.

5- فقط کار یا کارهمراه با تفریح؟ کار جدی و بدون تفریح تحمیلی از باید ها و وظایف است که نتیجه ای جز خستگی ندارد. با کار سخت و طاقت فرسا انسان می خواهد در مقابل چیزی ایستادگی کند. اما کار همراه با تفریح، منبع، شادابی، نور، الهام و آرامش است. کارآفرینان موفق پیش از پی بردن به نحوه صحیح انجام کارها، فکر می کردند باید فقط تلاش کنند و این امر سلامتی و شادابی را از آنان می گرفت. آنها پس از کسب نتایج ضعیف تصمیم گرفتند روش خود را تغییر دهند و آن وقت بود که خودشان هم شگفت زده شده بودند که ایا واقعا این قدر راحت می شد کارها را انجام داد.

6- حمایت ساختار یا کل فضای کاری ؟ ساختار ها در نحوه انجام امور نقش مهمی ایفا می کنند و حتی اگر ساختار تشکیل شده بسیار متفاوت از ساختار دیگران باشد باز هم ایرادی بر آن نیست . ساختار ها روی وظایف و نتایج از پیش تعیین شده تکیه میکنند اما بر خورداری از حمایت کل فضای کاری ساختار وسیعتری فراهم می آورد که پیش رفت و ترقی را آسانتر می سازد . تفاوت این دو در اینست که محیط برای شما کار میکند ولی برای ساختار شما باید کار کنید . حمایت فضای کاری ، ساختارهای کوچک را از ان شما می سازد . کار افرینان موفق معتقدند این تفاوت بسیار حائز اهمیت است . انها با بسط ساختارهای حمایتگر به کل فضای کاری موفقیت بیشتری نصیب خود می کنند .

7- تغییر رفتار یا تحول ؟ تغییر رفتار سطحی تر از تحول است . این امر به ترک یا آغاز یک رفتار اشاره دارد که ممکن است ساده یا گذرا باشد . تحول نیروی قوی تری است که در نتیجه یک تجربه به وجود می آید و به دگرگونی عمیق و درونی منجر می شود که اغلب هویت فرد را هم دستخوش تغییر قرار میدهد و برای او دیدگاه متفاوتی به ارمغان می آورد .

8- بد بینی یا خوش بینی ؟ بدیهی به نظر می رسد که بهتر است خوش بین بود تا بد بین . اما مسئله اینجاست که مشکل میتوان تشخیص داد چه زمان بدبین هستیم . افرادی که در کشاکش تجارت هستند خود را واقع گرا توصیف می کنند و می گویند واقعیات و حقیقت امور را می بینند . اما حقیقت این است که انها تنها بخشی از واقعیات را می بینند و اکثر اوقات شرایط را از آنچه که هست بد ترجمه می دهند . خوش بینی تنها یک طرز تفکر یا رویکرد نیست بلکه یک تعهد است که فرد را ملزم می دارد نقطه قوت و روشن شرایط را ببیند و انها را بارور سازد.

9- ارج نهادن به جایگاه خود یا توجه به کمبود ها ؟ خواستار شرایط بهتر بودن و بیشتر خواستن چیز بدی نیست . اما بیشتر مردم وقتی درباره خواستهایشان صحبت میکنند بر خلئی که میان خواسته ها و داشته هایشان وجود دارد تکیه میکنند . این کار موجب میشود نداشتن ها از داشتن ها پر رنگ تر شوند و یک گره کور ایجاد شود . ارج نهادن به جایگاهی که دارید به معنای در لحظه زیستن ، عشق ورزیدن به لحظه لحظه زندگی و قدران رادانستن است . ارج نهادن به جایگاهی که دارید ارزوها و رویاهاتان را زیر سوال نمی برد بلکه نیروی اعتماد و احساسات مثبت را تقویت و راه را برای نیل به خواسته ها باز می کند . در اخر باید گفت تفاوت کار افرینان موفق با دیگران در دیدگاهها ، باورها و رفتارهای آنان نهفته است . بنابراین علاوه بر تغییر عملکرد باید ذهنیات درونی را هم متحول ساخت و از ان بهره برد.

✍ نوشته شده در ساعت ۷:۵۲ ب.ظ توسط نعمت الله طاهری